

تحلیل حقوقی ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی

دکتر حسین آقائی نیا*

طرح مشکل

در سال ۱۳۷۰ ماده ۲۹۶ در قانون مجازات اسلامی به شرح ذیل به تصویب رسید:

«در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض محسوب می شود»

تصویب چنین ماده‌ای بلافاصله پس از ماده ۲۹۵ ق.م.ا که در بند ۱ آن حکم جنایات خطای محض را به صراحت بیان داشته از یک سو، و استفاده از واژه‌هایی از قبیل «هم، تیراندازی، کسی یا شیئی یا حیوانی، بی گناه و دیگری» از سوی دیگر ابهامات و پرسش‌های متعددی را مطرح ساخت. در رفع این اشکالات، دیدگاه‌های متفاوت و گاه معارضی ارائه گردید به گونه‌ای که در بعضی موارد نه فقط مشکلی حل نشد بلکه به عمق ابهام نیز افزوده شد و در عین حال، نباید از توجه به آن گروه از نظریات پرمغز و راهگشا نیز غافل بود. به هر حال، نقد و بررسی این دیدگاهها موضوع این مقاله نیست و طرح

آنها، صرفنظر از صحت و سقم، صرفاً به منظور اطلاع اجمالی خواننده محترم از سابقه امر است.

تفسیرها و راه حل ها

بعضی از نویسندگان براین عقیده‌اند که ماده ۲۹۶ در واقع مکمل ماده ۲۰۶ ق.م.ا در باب اشتباه در هویت در قتل عمدی است: «ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی، نوع قتل با اشتباه در هویت مجنی علیه را قتل خطای محض محسوب می‌دارد^۱». عصاره این نظر را می‌توان این‌گونه بیان کرد که اشتباه در هویت در باب قتل عمدی موجب تغییر ماهیت عنصر معنوی آن بوده و چنین قتلی، خطای محض خواهد بود. در تأیید همین نظر گفته شده است که «باتوجه به بند الف ماده ۲۰۶ و ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی، اشتباه هر شخص در جرم قتل، مؤثر در مسئولیت کیفری مرتکب و مغیر عنوان مجرمانه می‌باشد و قتلی که در نتیجه اشتباه واقع می‌شود قتل خطای محض خواهد بود^۲».

بعضی دیگر، شخصیت هدف اولیه جانی از نظر محقون یا مهدورالدم بودن را، شأن تقنین ماده ۲۹۶ دانسته‌اند: «اگر کسی تیری به طرف انسان محقون‌الدمی بیندازد و تیر او در اثر عدم مهارت یا در اثر کمانه کردن یا فرار آن شخص به دیگری اصابت کند و موجب مرگ او شود، مورد از موارد قتل عمدی است و مشمول بند الف ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی قرار خواهد گرفت نه ماده ۲۹۶^۳». بنابراین اعمال ماده ۲۹۶ از نظر ایشان منحصر به مواردی است که هدف اولیه مهدورالدم باشد. در راستای همین نظر و ضمن ایراد به منطوق ماده مرقوم چنین گفته شده است:

«به نظر می‌رسد که در این ماده (۲۹۶) باید اصلاحی صورت گیرد و بین حالتی که جانی قصد تیراندازی به انسان بی‌گناهی دارد و تیر او به خطا رفته به شخص بی‌گناه دیگری اصابت می‌کند و موجب قتل می‌شود و حالتی که جانی قصد تیراندازی به حیوان یا شیئی دیگر دارد و در اثر خطا رفتن تیر و کمانه کردن آن، تیر به انسانی اصابت می‌کند و منجر به

۱- گلدوزیان - ایرج، حقوق جزای اختصاصی ج ششم ص ۴۹.

۲- دلبر - حمید، بحثی پیرامون ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی، مجله قضائی و حقوقی دادگستری، ش پنجم ص ۱۲۴

۳- شامیبانی - هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی ج ۱ ص چهارم ص ۱۸۷

مرگ او می‌شود، فرق قائل شد و در حالت اول، قتل را عمد و در حالت دوم خطا محسوب کرد و صدور حکم واحد برای این دو حالت با قواعد و اصول فقه جزائی و حقوق جزا تطبیق نمی‌کند. فتوای امام خمینی (ره) در این مورد چنین است «اگر کسی به سوی شخص مهدورالدمی تیراندازی کند و تیر او به شخص دیگری اصابت کند و او را بکشد خطای محض محسوب می‌شود (تحریرالوسیله جلد ۲ بخش دیات مسئله ۸ از اقسام قتل)»^۱ به نظر می‌رسد نویسنده محترم از مفهوم فتوای امام (ره) به این نتیجه رسیده‌اند که صدق ماده ۲۹۶ منحصر به مهدورالدم بودن هدف اولیه جانی است و بالاخره اینکه بعضی معتقدند «بین این دو ماده (۲۰۶ و ۲۹۶) تعارضی و تفاوتی وجود ندارد بلکه این دو ماده اصولاً ارتباطی نیز با یکدیگر ندارد... بنابراین در تفسیر قضائی ماده ۲۹۶ باید گفت این ماده از نظر استنباط صحیح قضائی بدین گونه خواهد بود (در مواردی هم که کسی قصد تیر اندازی به طرف انسان واجب‌القتلی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد لیکن تیر او به انسان بی‌گناه دیگری اصابت کند و موجب قتل او گردد عمل خطای محض است.^۲) این دیدگاه نیز چیزی افزون بر نظرهای قبلی ارائه نمی‌کند.

برداشت متفاوت از ماده ۲۹۶ ق.م.ا.

ضمن احترام به تحلیل‌های نویسندگان محترم، به نظر می‌رسد در تفسیر این ماده به چند نکته باید توجه شود:

۱- احراز نظر مقنن در صدور انواع تفاسیر است و قبل از آن، نمی‌توان به سایر منابع و در صورت تفاوت با نظر قانونگذار استناد کرد هر چند معتبر باشند.

۲- اگر تفسیر، مشکلی را در چارچوب محدودی، رفع کند ولی در کلان موضوع، یعنی با عنایت به سایر موارد قانونی موجب تعارض شود، بعید است که بتوان به عنوان راه حلی جامع پذیرای آن بود.

بدیهی است ذکر این نکات بدین معنی نیست که نظریات قبلی بدان بی توجه بوده‌اند یا اینکه در این تحلیل به طور کامل لحاظ شده است، اما اگر تحلیل جامعی از ماده ۲۹۶

۱- رهامی - محسن - جزوه حقوق جزای اختصاصی ۱ جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص ۷۸۷۹ ص ۳۰

۲- نوری - رضا - مجازات قتل در نتیجه تیراندازی چیست؟ مجله قضائی و حقوقی دادگستری س چهارم ش دوازدهم ص ۷۱

ق.م. ۱. مورد نظر باشد ضرورت پرداختن به عناوین ذیل اجتناب ناپذیر است:

- آیا ماده ۲۹۶ حکم اشتباه در هویت را بیان کرده است؟

- محقون یا مهدورالدم بودن هدف اولیه جانی، در تحقق این ماده چه نقشی دارد؟

- آیا تصریح مقنن به تیراندازی، متضمن اعاده حصر در مصادیق عمل است؟

- باتوجه به وجود قصد و کشنده بودن وسیله، تعامل این ماده با بند ب ماده ۲۰۶

چگونه خواهد بود؟

- آیا وضع ماده ۲۹۶ مبتنی بر یک ضرورت منطقی است؟

آیا ماده ۲۹۶ حکم اشتباه در هویت در قتل عمدی را بیان کرده است؟

همان گونه که متذکر شدیم بعضی از نویسندگان محترم به این پرسش با صراحت پاسخ مثبت داده‌اند. در صورت قبول این نظریه، نتایج ذیل، از ماده ۲۹۶ قابل حصول است: تغییر وصف عمدی به خطای محض، انتفاء قصاص، عدم امکان تعزیر و بالاخره پرداخت دیه از سوی عاقله با توجه به ماده ۳۰۵ ق.م.ا. اشکال پذیرش این نظر آنگاه بین و آشکار می‌شود که نگرشی مجدد به تبصره ۲ ماده ۲۹۵ همین قانون داشته باشیم.

«در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه، مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطای شبیه عمد است...». یکی از مصادیق اشتباه مرتکب در این تبصره، اشتباه در هویت کسی است که قاتل معتقد به مهدورالدم بودن او بوده است. بدین معنا که مثلاً (الف) تصور می‌کرده که (ب) مهدورالدم است و به او تیراندازی می‌کند. گلوله به هدف اصابت می‌کند. ولی مقتول انسان بی‌گناهی است با هویتی متفاوت.

در چنین صورتی، باتوجه به نص تبصره ماده مذکور که مقرر می‌دارد: «... قتل به منزله خطای شبیه عمد است». این نتایج بدست می‌آید:

۱- اشتباه در هویت حتی با اعتقاد به مهدورالدم بودن و به رغم موجه بودن مبنای عمل، موجب تغییر عنوان قتل عمدی نیست زیرا اشتباه در هویت موجب زوال یا انتفاء

عنصر معنوی جرم نمی شود.

۲- اشتباه در هویت در این مورد موجب اسقاط مجازات قصاص نفس و تحمیل دیه بر شخص قاتل است.

۳- مرتکب به علت ارتکاب قتل عمدی با استناد به ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی که مقرر می دارد: «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته باشد ولی از قصاص وی گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود... دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می نماید.» تعزیر خواهد شد.

اکنون با مقایسه آثار اشتباه در هویت در دو مورد مشروحه، پرسشهای ذیل بلافاصله به ذهن متبادر می شود.

الف- آیا منطقی در یک نظام قانونی، اشتباه هویت در باب قتل می تواند متضمن آثاری چنین متفاوت و نا عادلانه باشد؟

ب- آیا در یک نظام اسلامی، داشتن انگیزه دینی (اعتقاد به مهدورالدم بودن و ارتکاب قتل برای اجرای حکم شرعی) می تواند از موجبات تشدید مجازات باشد؟
به اعتقاد نگارنده پاسخ هر دو مورد منفی است زیرا اولاً باتوجه به استدلالهای مذکور نمی توان ماده ۲۹۶ ق.م.ا را حکم اشتباه در هویت در باب قتل به حساب آورد، حتی اگر مستند ما فتاوی و منابع معتبر فقهی باشد. زیرا مهمترین منبع حقوق جمهوری اسلامی ایران، قانون است. ثانیاً در تائید این دیدگاه می توان به منطوق ماده مذکور نیز نگرشی دوباره داشت و چنین استدلال کرد که اگر نظر مقنن بر این بوده که ماده ۲۹۶ را حکم اشتباه در هویت قرار دهد چه لزومی به ذکر کلمه «شیئی و حیوان» بعد از «کسی» دارد که تیر به او اصابت کرده است. منظور این است که آیا اگر گلوله به حیوان و شیئی اصابت کند چگونه می توان آن را جنایت محسوب کرد و از نوع خطای محض به شمار آورد؟

چنین اشتباهی در تفسیر ماده ۲۹۶ همانند رای اصراری دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۷۱/۷/۷ در مورد پدر و برادری است که با اشتباه در هویت، انسان بی گناه دیگری را، به این تصور که این همان کسی است که دختر و خواهر آنها را ربوده است، عمداً به

قتل رسانند. اشتباه تاریخی دیوان و شبیه عمد دانستن چنین قتلی موجب می شود که تصمیم دیوان را فاقد وصف حقوقی بدانیم و نوعی حکم مصداقی، مصلحتی و احساسی به حساب آوریم. اگر امروز اوباش شروری با انگیزه فاسدی، مرتکب قتل عمدی شود ولی اشتباه خود را در هویت مقتول به اثبات برساند و دوباره همان هیئت عمومی محترم دیوان تشکیل جلسه دهند آیا اکثریت، حکم به شبیه عمد بودن چنین قتلی خواهند داد؟ به اعتقاد اینجانب پاسخ قطعاً منفی است. لذا شدید و جبران ناپذیر بودن مجازات قصاص نفس و شمول آن بر تمامی مصادیق قتل عمد در قانون، نباید ما را به سوی دست اندازی و مخدوش کردن اصول حقوق جزا و قوانین جاری ببرد. حل مشکل باید با استمداد از فقه پویا، واقعیات اجتماعی، موازین حقوق جزای نوین و مطالعه راهکارهای حقوق تطبیقی انجام شود.

نتیجه: ماده ۲۹۶ ق.م.ا. بیان مجدد و موسعی از بند الف ماده ۲۹۵ همین قانون است و به عبارت دیگر اشتباه در هویت در قتل عمدی در قانون مجازات اسلامی نمی تواند قتل خطای محض به حساب آید زیرا چنین اشتباهی عنصر معنوی قتل عمدی را زایل نمی کند. کاربرد اصطلاح اشتباه در هدف نیز در مورد این ماده چندان مطلوب نیست زیرا اساساً در این ماده هیچ گونه اشتباه مصداق وجود ندارد بلکه آنچه موضوع این ماده است اصابت تیر به کسی است که مرتکب قصد فعل نسبت به او را نداشته است و قهراً نمی تواند خواهان نتیجه حاصله نیز باشد. شاید خطا در تیراندازی مناسب تر باشد.

نقش وصف محقون یا مهدورالدم بودن هدف نخستین در تحقق ماده ۲۹۶ در بحث های قبلی به نظریات بعضی از نویسندگان اشاره شد که معتقدند ماده مرقوم ناظر بر موردی است که هدف نخستین مرتکب، مهدورالدم باشد و در غیر این صورت، قتل عمدی خواهد بود و این ادعا را عمدتاً بر پایه دلایل ذیل اقامه می کنند:

۱- کاربرد واژه بی گناه در مورد مجنی علیه به طور ضمنی مؤید گناهکار و به عبارت بهتر مهدورالدم بودن کسی است که هدف اصلی مرتکب بوده است.

۲- در جمله (... قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد....) مقنن انسان را در عرض شیئی یا حیوان قرار داده و منظور او از این هم عرضی، انسان مهدورالدم است و نه شخص بی گناه که خون او محترم است.

۳- استناد به قسمت ذیل فتوای امام خمینی (ره) الخطاء المحض المعبر عنه بالخطا الذی لاشبهة فیہ هوان لا یقصد الفعل و لا القتل کمن رمی صیداً أو القی حجراً فاصاب انساناً فقتله، و منه مالورمی انساناً مهدورالدم فاصاب انساناً آخر فقتاه.

خطای محض که از آن به خطایی که شبهه‌ای در آن نیست، تعبیر می‌شود آن است که فعل و همچنین قتل را قصد ننماید مانند کسی که می‌خواهد حیوانی را شکار کند یا سنگی را می‌اندازد پس به انسانی بخورد و او را بکشد. و از این قبیل است جایی که انسان مهدورالدمی را تیر بزنند پس به انسان دیگر بخورد و او را به قتل برساند.^۱

مستندات فوق مبنی بر این است که لازمه تحقق ماده ۲۹۶، مهدورالدم بودن کسی است که مرتکب قصد تیراندازی به او را داشته باشد به دلایل ذیل قابل قبول نیست:

۱- تصریح مقنن به بی گناه بودن مقتول شرط اصلی و رکن اساسی تحقق هر جنایتی است و در واقع به این ترتیب خواسته است بگوید اگر مقتول مهدورالدم باشد عمل مرتکب از شمول قتل خطای محض نیز خارج است. استناد به مفهوم ضمن واژه «بی گناه» ذر راستای اثبات مهدورالدم بودن هدف نخستین یعنی کسی که مرتکب قصد تیراندازی به او را داشته نه مبتنی بر قواعد و اصول فقه است و نه با تفاسیر قانونی و منطقی سازگاری دارد و لذا محکوم به رد است.

۲- استناد به این که منظور مقنن با همعرض کردن انسان یا شیئی یا حیوان، اشاره تلویحی به مهدورالدم بودن اوست نیز پایه و مبنای قابل قبولی ندارد. هدف مقنن از احصاء انسانی، شیئی و حیوان صرفاً به دلیل رفع ابهام ناشی از مثال مذکور در قسمت ذیل بند الف ماده ۲۹۵ ق.م.ا به شرح ذیل است:

«قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای محض واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع

۱- امام خمینی تحریرالوسیله ج چهارم ص ۳۵۱. دفتر انتشارات اسلامی محکوم به رد است.

شده بر او را مانند آنکه کسی تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید».

مثال قسمت ذیل بند الف باتوجه به منبع فقهی که بعضاً معتقد هستند که هرگاه شخصی، کسی را هدف قرار دهد و به دیگری اصابت کند و این هردو محقون الدم باشند قتل عمدی است^۱ این شبهه را ایجاد می‌کرد که قصد قتل انسانی بی‌گناه منجر به قتل هر انسان بی‌گناه دیگر شود قتل عمد خواهد بود و از این رو مقنن در سال ۱۳۷۰ با اضافه کردن واژه معین در ماده ۲۰۶ و وضع ماده ۲۹۶ ق.م.ا. تصمیم قطعی برای رفع این ابهام و شبهه داشته و لذا در ماده اجز الذکر به واژه انسان در کنار شیئی و حیوان تصریح می‌کند تا ابهامی باقی نماند. و بنابراین وصف انسانی که مرتکب، قصد تیراندازی به او را داشته از نظر محقون یا مهدورالدم بودن تأثیری در خطای محض بودن قتل دیگری ندارد. تنها تفاوتی که می‌توان بیان کرد اینست که کسی که قصد کشتن انسان بی‌گناهی را دارد و کسی که قصد کشتن انسان مهدورالدمی را دارد و در هردو مورد انسان بی‌گناه دیگری را به قتل برساند مشمول ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی در مورد شروع به قتل عمد بر مورد اول است.

آیا عمل مرتکب در ماده ۲۹۶ منحصر به تیراندازی است؟

هرچند ظاهراً مقنن، عمل مرتکب را منحصر به تیراندازی نموده و حتی بعضی از نویسندگان محترم عنوان مقاله خود را درخصوص تحلیل ماده مذکور به «مجازات قتل در نتیجه تیراندازی چیست؟» محدود کرده‌اند ولی واقعیت این است که عمل مرتکب در ماده ۲۹۶ نمی‌تواند منحصر به تیراندازی باشد و به عبارت بهتر مفهوم ماده افاده حصر نمی‌کند. دلایل این دیدگاه را می‌توان به شرح ذیل ارائه نمود:

۱- واژه «هم» در صدر ماده ۲۹۶ معطوف به بند الف ماده ۲۹۵ است و به عبارت دیگر مقنن با به کار بردن این واژه قصد تسری حکم بند الف ماده اخیرالذکر به ماده ۲۹۶ را داشته است.

۱- علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطا - اصل الشیعه ص ۲۲۶ به نقل از فصل ناز حق دفتر پنجم ص ۴۵

۲- واژه «هم» به معنای بیان مجدد بند الف ماده ۲۹۵ نیز است و تمامی ارکان این ماده بر ماده ۲۹۶ حاکم است.

۳- کاربرد واژه «هم» با توجه به بندهای ۱ و ۲ به عمل مرتکب هم تسری دارد. در قسمت صدر بند الف ماده مقنن بحث از فعل دارد و نه مصداقی از آن را و در قسمت ذیل که بحث از مصداق است مقنن به رها کردن تیر اشاره دارد و بنابراین چون ماده ۲۹۶ بیان مجدد بند الف ماده ۲۹۵ و تحت حکومت اصول حاکم بر آن است لزوماً عمل مرتکب در ماده ۲۹۶ منحصر به تیراندازی نخواهد بود.

اما ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر ماده ۲۹۶ بیان مجدد بند الف ماده ۲۹۵ بوده و در همه ارکان تابعی از آن است چه ضرورتی به وضع آن بوده است. به نظر نگارنده تنها علتی که ضرورت وضع چنین ماده‌ای را ایجاد کرده حساسیت مقنن به رفع ابهام از مثال مذکور در قسمت ذیل بند الف ماده ۲۹۵ است. در واقع خواسته است این پیام را به روشنی اعلام دارد که برای تحقق جنایت خطای محض هیچ شرط، قید و یا وصفی در هدف اولیه مرتکب مانند انسان، شیئی یا حیوان بودن، محقون یا مهدورالدم بودن یا نبودن مؤثر نخواهد بود. چنین حساسیتی که در جهت کاستن از مصادیق قتل عمدی مستوجب قصاص است قابل تقدیر بوده و سیاست کیفری مطلوبی است.

تشابه قصد و کشنده بودن عمل در بند ب ماده ۲۰۶ و ماده ۲۹۶ و تعامل آنها هر چند تشابه ظاهری یعنی عمد در فعل و کشنده بودن نوعی کار در بند با قصد تیراندازی در ماده ۲۹۶ وجود دارد ولی مقایسه آنها جز در همین ظواهر قیاس مع الفارق است زیرا اعمال بند ب ماده ۲۰۶ ملازمه با قصد فعل کشنده نسبت به مجنی علیه دارد در حالی که تحقق ماده ۲۹۶ موقوف به فقدان قصد فعل صرف نظر از ماهیت کشنده یا غیر کشنده بودن نسبت به منجی علیه است.

آیا جمله «... عمل او خطای محض محسوب می‌شود» با مفاد بند الف ماده ۲۹۵ مغایر است؟

بعضی از نویسندگان محترم بر جمله فوق که در قسمت ذیل ماده ۲۹۶ آمده است

ایراد کرده‌اند که «... قسمت اخیر ماده (عمل او خطای محض محسوب است) با بند الف جنایت ماده ۲۹۵ و نیز مصادیق جنایت خطای محض مغایر به نظر می‌رسد زیرا این نحو از جنایت، خود ماهیتاً خطای محض است نه آنکه از این نوع (محسوب) می‌گردد^۱». به نظر می‌رسد مراد ایشان از واژه «محسوب» به معنای این نیست که عملی را اصالتاً جرم بدانیم و لذا چون جنایت مذکور در ماده ۲۹۶ ماهیتاً خطای محض است استعمال این واژه صحیح نیست. اما به دلایل زیر چنین ایرادی بر مقتن چندان وارد نیست زیرا:

۱- از نظر لغوی «محسوب شدن» به معنای به شمار آورده شدن و به حساب درآمدن است^۲ و لذا چنین معنایی مغایر با این نیست که جنایت مذکور در ماده ۲۹۶ مغایر با سایر مصادیق باشد.

۲- مقتن در ماده ۲۹۶ برخلاف بعضی موارد از واژه‌های «در حکم» یا «به منزله» استفاده نکرده است تا ایراد فوق وارد باشد.

۳- منظور مقتن در اغلب قریب به اتفاق مواد قانونی که از اصلاح «محسوب شدن» استفاده نموده چیزی جز این نبوده که آن عمل ماهیتاً جرم مورد نظر است و نه چیزی مشابه یا در حکم آن. عنایتی مجدد به مواد ۲-۳۷-۴۲-۴۳-۵۶-۵۹-۶۲-۱۷۵-۲۱۴-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۲-۲۴۳-۲۸۸-۳۲۵-۳۲۸-۴۰۱-۴۱۶-۵۳۷-۵۹۵-۵۹۸ مؤید این امر است و لذا هرچند در موارد نادری هم خلاف چنین معنایی در مواد قانونی مشهود است ولی در ماده ۲۹۶ همان مفهوم غالب مورد نظر مقتن بوده است.

۱- صادقی - محمد هادی - حقوق جزای اختصاصی (۱) جرائم علیه اشخاص (صدمات جسمانی ج اول ص ۲۰۵)

۲- معین - محمد فرهنگ فارسی (متوسط جلد سوم) ج هشتم ص ۲۹۰۷